



فتوحات مکیہ

الفتوحات المکیة فی معرفة اسرار المالکیة والملکیة

شیخ اکبر محیی الدین
ابن عربی

ترجمہ و تعلیق : محمد خواجوی

مقامات

اسامی حُنا

باب ۵۵۸

جلد پانزدہم



انتشارات مولیٰ

۹۰. حضرت علم که اسم «علیم و عالم و علام» راست
۹۴. حضرت قبض که اسم «قابض» راست
۹۸. حضرت بسط که اسم «باسط» راست
۱۰۳. حضرت خفض که اسم «خافض» راست
۱۰۸. حضرت رفعت که اسم «رافع» راست
۱۱۵. حضرت اعزاز که اسم «مُعز» راست
۱۲۰. حضرت اذلال که اسم «مذل» راست
۱۲۵. حضرت سمع که اسم «سمیع» راست
۱۳۱. حضرت بصر که اسم «بصیر» راست
۱۳۷. حضرت حَکَم
۱۴۱. حضرت عدل
۱۴۶. حضرت لطف که اسم «لطیف» راست
۱۵۱. حضرت خُبرت و اختبار که حضرت آزمایش به نعمت‌ها و شداید است
۱۵۵. حضرت حلیم که اسم «حلیم» راست
۱۵۸. حضرت عظمت که اسم «عظیم» راست
۱۶۲. حضرت شکر که اسم «شکور» راست
۱۶۷. حضرت علو که اسم «علی» راست
۱۷۳. حضرت کبیر که اسم کبریای الهی راست
۱۷۷. حضرت حفظ که اسم «حفیظ» راست
۱۸۳. حضرت مقیت که اسم «مقیت» راست
۱۸۷. حضرت اکتفا که اسم «حسیب» راست
۱۹۲. حضرت جلال که اسم «جلیل» راست
۱۹۷. حضرت کرم که اسم «کریم» راست
۲۰۱. حضرت مراقبه که اسم «رقیب» راست
۲۰۶. حضرت اجابت که اسم «مجیب» راست
۲۱۱. حضرت سعت که اسم «واسع» راست
۲۱۶. حضرت حکمت که اسم «حکیم» راست

دفتر سی و سوم از فتح مکی

(۲۲۲ - ۴۶۱)

حضرت الهیت که آن اسم «الله» راست

۵ الله، الله، الله الذى حكمت آياته انه فى كونه الله
سبحانه جلّ ان يحظى به احد من العباد فلا اله الا هو
اختص باسم فلم يشركه من احد فيه و ذلك قول القائل الله

۶ و آن مرتبه و حضرتى است که جامع تمام حضرات و مراتب مى باشد، از این
روى هیچ عابد پروردگارى جز آن را نمى پرستد، و خداوند بدان حکم کرد و فرمود:
«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» = پروردگارت حکم مى کند که جز او را نپرستید - ۲۳ /
اسراء» و: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ - ۱۵ / فاطر».

فله ما يخفى و لله ما بدا نعم بل هو الله الذى ليس الا هو

۷ بدان! در قوه اسم «الله» - به وضع اول - هر اسمى الهى است، بلکه هر اسمى
را در عالم کون اثرى است که از مسمايش مى باشد و نایب مناب هر اسم الهى
مى باشد، و چون گوینده اى گوید: ياالله! در حالت گوینده اى که تو را بر این ندا
برانگیخته بنگرا و بنگر که کدام اسم الهى به آن حال اختصاص دارد، پس این اسم
خاص همان است که این خواننده را به «ياالله» گفتن ندایش مى دهد، زیرا اسم «الله»
- به وضع اول - مسمايش ذات حق است و عین آن چیزى است که ملکوت هرچیزى
به دست اوست، از این رو اسمى که به خصوص دلالت بر آن دارد نایب مناب هر

اسم الهی می‌باشد.

۸ سپس (گوییم:) این مسمّا از حیث بازگشت امر یکسره به او، اسم هر مسمّایی است که معدن و نبات و حیوان و انسان و فلک و فرشته و امثال اینها که بر آنها نام مخلوق و یا مبدع اطلاق می‌شود بدو افتقار می‌ورزند، پس او تعالی مسمای به هر اسم مسمّایی که در عالم اثری در کون و وجود دارد می‌باشد، و درواقع جز آنکه وی را در عالم کون اثر است نمی‌باشد.

۹ اما متضمن بودنش مر اسمای تنزیه را: مأخذ آن جداً نزدیک است، اگر چه هر اسم الهی از حیث دلالتش بر ذات حق تعالی این‌گونه است، اما از آن جهت که جز اسم «الله» از اسما، با دلالتش بر ذات حق، دلالت بر معنی دیگری از سلب و یا اثبات - بدانچه که در آن اشتقاق است - دارد، در برابر احدیت دلالت بر ذات، قوه ایستادگی (و یا برابری) مانند این اسم را ندارد، مانند رحمان و غیر آن از اسمای حسنا الهی، اگر چه خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى = بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید نام‌های نیکو از آن اوست - ۱۱۰ / اسراء» ضمیر در «له» بر «مدعو به تعالی» باز می‌گردد، زیرا مسمای اصلی که زائد بر اشتقاق است جز یک عین واحد نمی‌باشد.

۱۰ سپس (گوییم:) خداوند متعال این اسم علم را از اینکه کسی غیر ذات حق جلّ جلاله بدان نامیده شود حفظ کرد، از این روی خداوند عزوجل در معرض حجت و دلیل بر کسی که الوهت را به غیر این مسمّا نسبت داد فرمود: «قُلْ سَمُّوهُمْ = بگو: نام ببریدشان - ۲۳ / رعد» پس آن کس که این درباره‌اش گفته شده بود مبهوت گشت، زیرا او اگر نامیده بودش به غیر اسم «الله» نامیده بودش.

۱۱ اما آنچه از جمعیت که در آن است: چون مدلولات اسما که زائد بر مفهوم ذات‌اند مختلف و بسیاراند، و در دست ما اسم خالصی که برای ذات اسم علم باشد جز این اسم «الله» نیست، بنابراین اسم «الله» دلالت بر ذات - به حکم مطابقت - دارد، مانند اسمای اعلام بر مسمّاهایشان.

۱۲ و اسمایی هم هستند که دلالت بر تنزیه دارند، و اسمایی هم هستند که